سکینه‌سادات پاد، دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در حوزه آزادی‌های اجتماعی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حق برپایی اجتماعات از دغدغه‌های رئیس جمهور بود

عطیه همتی
دبیرگروه تند روز

با گذشت یک‌ماه از شهادت آیت‌الله رئیسی و جمعی از خدمتگزاران مردم در حادثه سقوط بالگرد، کشور در بطن فضای انتخاباتی و تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری قرار گرفته است. کاندیداهایی که در برنامه‌ها و مناظره‌های خود تلاش می‌کنند نسبت خود را با رئیس دولت سیزدهم مشخص کنند و حتی در برخی موارد خودشان را ادامه‌دهنده مسیر ایشان بدانند. یکی از ابتکارات دولت سیزدهم در موضوعات اجتماعی، ایجاد پستی با نام دستیار ویژه رئیس جمهور در حوزه آزادی‌های اجتماعی بود که بعد از حوادث تلخ ۱۴۰۱ شکل گرفت تا با رئیس جمهوری راد در ایـن زمینه همراهی کند. حضور سکینه‌سادات پاد به‌عنوان یک خانم و تحصیلکرده رشته حقوق در این زمینه نوید یک صدای نو و متفاوت را در کابینه دولت سیزدهم می‌داد، کسی که بتواند واسطه و پلی میان بدنه مردمی و بدنه دولتی باشد و رئیس جمهور را در این زمینه بی‌واسطه یاری کند. پاد در طول یک سال فعالیتش در دولت سیزدهم و اظهارنظرهای شفاف و قاطعی که در محافل مختلف داشت، توانست این صدای متفاوت از دولت را به مردم برساند اما حادثه سقوط بالگرد رئیس‌جمهور و شهادت ایشان مانع ادامه این مسیر در دولت شد. به همین بهانه در روزهای داغ انتخاباتی سراغ سکینه‌سادات پاد، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در حوزه آزادی‌های اجتماعی رفتیم تا درباره نوع ورود‌ش به دولت و دیدگاه‌های شهید رئیسی در حوزه آزادی‌های اجتماعی بپرسیم و اینکه بدانیم از رئیس شهید دولت سیزدهم چه حرف‌ها و دیدگاه‌هایی ناگفته‌ای وجود دارد که در داغی و سنگینی بعد از شهادتش گم شده است.

شما هم سمتی که در دولت به‌عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور در حوزه آزادی‌های اجتماعی داشتید جدید بود و هم شخص خودتان چهره جدیدی در دولت آقای رئیسی بودید. بااتوجه به اینکه شخصیت حقوقی هم هستید، برخی اظهارنظرهای شما در حوزه زنان و آزادی‌های اجتماعی صدای نازه‌ای بود. حال سوال اینجاست حضور شما در دولت آقای رئیسی چگونه شکل گرفت و جطور به‌این تعامل دانستید؟

از همین سوال اول شاه‌دلیل خانمگی‌اَت آن‌طور که باید باشد، یعنی ایران فصل مشترک همه جناح‌ها و دیدگاه‌های مختلف است. وقتی ایران را کنار داریم، یعنی ایران فصل مشترک همه جناح‌ها و گروه‌هاست. آقای رئیسی زمانی هم که در قوه قضائیه بودند نظرشان این بود که باید به نخبگان و مراجع تخصصی زیاد مراجعه کنند. بنده هم در این دوران کمک می‌کردم و به فراخور و تناسب تخصصی خودم، اظهارنظرهایی از جنس حضور در دولت داشتم. البته، فقط در فضای تقریبا مهیتری نسبت به زوایای شخصیت ایشان هستم که اتفاقا همین امر هم می‌توانند کمک‌کننده باشند برای انتخاب یک رئیس جمهور اصلح. شاید کسانی که زیست مدرنیتی یا آپادانا داشتند و او را از نزدیک‌تر و بهتر می‌شناسند، به‌نوعی تکلیف دارند که این شخصیت مصادره به مطلوب نشده و خرج جناح‌بازی و سیاسی‌کاری نشود. این خیلی مهم است. آقای رئیس‌جمهور شهید روی اندیشه‌ها و افکار و مدل کار شهید بهشتی خیلی اصرار داشتند. شهید بهشتی و شهید رئیسی سیاسی‌کاری و بادبادزنی نمی‌کردند که فقط منافع خودم و حزبم را رندبگیریم. آقای رئیسی را هم باید در همین چارچوب حزب‌اللهی و فکری شهید بهشتی دید. چه کنیم که ما مردمی هستیم که وقتی شخصیتی را از دست می‌دهیم، تازه تغزل‌گویی‌مان گل می‌کند و اول زمانی ایمان گفتم، خیلی تشکر کردند. من، آقای رئیسی را از غفلت می‌شناسم که با تعریف و تمجید و توصیف می‌کنیم. حالا هر کسی آقای آن‌دست می‌تواند به شیوه‌های مدیریتی شان او همه اندیشه‌ها و هم کسی که شخصیتی داشت برای مدیریتی تحولی استفاده می‌کردند یا بااولین بار در دوره مدیریتی ایشان بود که مدیریت زن در آستان قدس شکل گرفت و این مسیری به سابقه نبود. اساسا اینکه زنی بخواهد در دم و دستگاه امام‌رضا(ع) و در آستان قدس رضوی حضور داشته باشد، نبود؛ دست‌وبال‌شان را همیشه می‌بستند. زنان شاید خیلی مناسب مفهومی و روحی بازتر دارد. اینکه بیایید چنین جایگاهی را تاسیس کنید، یعنی شما فهمیدید دایکجا قرار گرفته‌اید. اینکه مناسب یا این فهم و مسائلی که در سطح وجود دارد، مدیریتی را اعمال کرده یا تقسیم مدیریت کنید یا نتواند بهتر و مطلوب‌تر اعمال شود، کاری بود که ایشان تاسیس کردند و در همان راستا و حقوق زنان بنده و به‌عنوان کسی حقوق خانم‌ها و در آن طبقه شهر هم زندگی می‌کردم، انتخاب کردند؛ البته یک آشنایی نسبی هم وجود داشت تا از صدای زنان و نظرات ما استفاده کنند. من هم یک نفر از افراد متخصصی بودم که ایشان استفاده می‌کردند. یک‌سال‌ونیم تا شاید سال ۹۶ پیش آمد و حضور ایشان در این عرصه. من بااتوجه به شناخت خوبی که از شخصیت ایشان پیدا کرده بودم، احساس کردم کشور به چنین نگاهی نیاز دارد؛ نگاهی که شاید مختصرترین کلمه‌ای که بتواند شخصیت ایشان را معرفی کند، کلمه مقام‌معظم‌رهبری درباره ایشان است؛ رئیس‌جمهور جامع‌الاطراف. شاید شبیه‌ترین کس به خود حضرت آقا ایشان بود. حضرت آقا را دیده‌اید تشخیص مجمع مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جاهایی که ترکیبی باید از مردم و فضلا و علما و عقلا حضور داشته باشند، ایشان را در ماهیتی انتخاب را روی فضل و علم و عقل قرار دادند و برای ایشان اصل‌طلب و اصولگرا/قانونی نمی‌کرد. آقای رئیسی نزدیک‌ترین فرد به حضرت آقا از نظر شیوه مدیریتی بودند و ما برای ساعتی معدود دفعاتی، نمی‌گویم تنها، توسعه گفتمانی جدی بین مقام‌معظم‌رهبری را درک کنند که گفت انقلاب متعلق به پاعرضگان است؛ اگفتم شما مشکلات و ابهامات تان را آقای رئیس‌جمهور بپرسید. خدیدند و گفتند نه. خیلی بانمک یا سمج دادید؛ وقتی هم که خدمت ایشان حضور یافتم، گفتند خیلی پاسخ شما جالب بود؛ واقعیت این بود که بیرد صرف‌نظر از اینکه یک فرد خاستگاه خانوادگی اش کجاست و کجاها بوده، تصمیم گرفته بودند به فردی از میان مردم اعتماد کنند. وقتی که خدمت ایشان رسیدم، گفتند من دو نفر را معرفی کرده‌اند که استادشان دانشگاه و باتجربه هستند و گفته‌اند که اینها برای شما حاشیه ندارند. حاج‌آقا جمله‌ای گفتند که هم برای من شیرین که می‌گویند دشمن بالا می‌آید یعنی ایران فصل مشترک همه جناح‌ها و گروه‌هاست. آقای رئیسی زمانی هم که در قوه قضائیه بودند نظرشان این بود که باید به نخبگان و مراجع تخصصی زیاد مراجعه کنند. بنده هم در این دوران کمک می‌کردم و به فراخور و تناسب تخصصی خودم، اظهارنظرهایی از جنس حضور در دولت داشتم. البته، فقط در فضای تقریبا مهیتری نسبت به زوایای شخصیت ایشان هستم که اتفاقا همین امر هم می‌توانند کمک‌کننده باشند برای انتخاب یک رئیس‌جمهور اصلح. شاید کسانی که زیست مدرنیتی یا آپادانا داشتند و او را از نزدیک‌تر و بهتر می‌شناسند، به‌نوعی تکلیف دارند که این شخصیت مصادره به مطلوب نشده و خرج جناح‌بازی و سیاسی‌کاری نشود. این خیلی مهم است. آقای رئیس‌جمهور شهید روی اندیشه‌ها و افکار و مدل کار شهید بهشتی خیلی اصرار داشتند. شهید بهشتی و شهید رئیسی سیاسی‌کاری و بادبادزنی نمی‌کردند که فقط منافع خودم و حزبم را رندبگیریم. آقای رئیسی را هم باید در همین چارچوب حزب‌اللهی و فکری شهید بهشتی دید. چه کنیم که ما مردمی هستیم که وقتی شخصیتی را از دست می‌دهیم، تازه تغزل‌گویی‌مان گل می‌کند و اول زمانی ایمان گفتم، خیلی تشکر کردند. من که استدلالم را برای ایشان گفتم، خیلی تشکر کردند. من، آقای رئیسی را از غفلت می‌شناسم که با تعریف و تمجید و توصیف می‌کنیم. حاج‌آقا از دست دادیم تا بتوانیم به‌درستی مدیریت کنیم. حالا هر کسی آقای آن‌دست می‌تواند به شیوه‌های مدیریتی شان او همه اندیشه‌ها و هم کسی که شخصیتی داشت برای مدیریتی تحولی استفاده می‌کردند یا بااولین بار در دوره مدیریتی ایشان بود که مدیریت زن در آستان قدس شکل گرفت و این مسیری به سابقه نبود. اساسا اینکه زنی بخواهد در دم و دستگاه امام‌رضا(ع) و در آستان قدس رضوی حضور داشته باشد، نبود؛ دست‌وبال‌شان را همیشه می‌بستند. زنان شاید خیلی مناسب مفهومی و روحی بازتر دارد. اینکه بیایید چنین جایگاهی را تاسیس کنید، یعنی شما فهمیدید دایکجا قرار گرفته‌اید. اینکه مناسب یا این فهم و مسائلی که در سطح وجود دارد، مدیریتی را اعمال کرده یا تقسیم مدیریت کنید یا نتواند بهتر و مطلوب‌تر اعمال شود، کاری بود که ایشان تاسیس کردند و در همان راستا و حقوق زنان بنده و به‌عنوان کسی حقوق خانم‌ها و در آن طبقه شهر هم زندگی می‌کردم، انتخاب کردند؛ البته یک آشنایی نسبی هم وجود داشت تا از صدای زنان و نظرات ما استفاده کنند. من هم یک نفر از افراد متخصصی بودم که ایشان استفاده می‌کردند. یک‌سال‌ونیم تا شاید سال ۹۶ پیش آمد و حضور ایشان در این عرصه. من بااتوجه به شناخت خوبی که از شخصیت ایشان پیدا کرده بودم، احساس کردم کشور به چنین نگاهی نیاز دارد؛ نگاهی که شاید مختصرترین کلمه‌ای که بتواند شخصیت ایشان را معرفی کند، کلمه مقام‌معظم‌رهبری درباره ایشان است؛ رئیس‌جمهور جامع‌الاطراف. شاید شبیه‌ترین کس به خود حضرت آقا ایشان بود. حضرت آقا را دیده‌اید تشخیص مجمع مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جاهایی که ترکیبی باید از مردم و فضلا و علما و عقلا حضور داشته باشند، ایشان را در ماهیتی انتخاب را روی فضل و علم و عقل قرار دادند و برای ایشان اصل‌طلب و اصولگرا/قانونی نمی‌کرد. آقای رئیسی نزدیک‌ترین فرد به حضرت آقا از نظر شیوه مدیریتی بودند و ما برای ساعتی معدود دفعاتی، نمی‌گویم تنها، توسعه گفتمانی جدی بین مقام‌معظم‌رهبری را درک کنند که گفت انقلاب متعلق به پاعرضگان است؛ اگفتم شما مشکلات و ابهامات تان را آقای رئیس‌جمهور بپرسید. خدیدند و گفتند نه. خیلی بانمک یا سمج دادید؛ وقتی هم که خدمت ایشان حضور یافتم، گفتند خیلی پاسخ شما جالب بود؛ واقعیت این بود که بیرد صرف‌نظر از اینکه یک فرد خاستگاه خانوادگی اش کجاست و کجاها بوده، تصمیم گرفته بودند به فردی از میان مردم اعتماد کنند. وقتی که خدمت ایشان رسیدم، گفتند من دو نفر را معرفی کرده‌اند که استادشان دانشگاه و باتجربه هستند و گفته‌اند که اینها برای شما حاشیه ندارند. حاج‌آقا جمله‌ای گفتند که هم برای من شیرین

شما هم سمتی که در دولت به‌عنوان دستیار ویژه رئیس‌جمهور در حوزه آزادی‌های اجتماعی داشتید جدید بود و هم شخص خودتان چهره جدیدی در دولت آقای رئیسی بودید. بااتوجه به اینکه شخصیت حقوقی هم هستید، برخی اظهارنظرهای شما در حوزه زنان و آزادی‌های اجتماعی صدای نازه‌ای بود. حال سوال اینجاست حضور شما در دولت آقای رئیسی چگونه شکل گرفت و جطور به‌این تعامل دانستید؟

از همین سوال اول شاه‌دلیل خانمگی‌اَت آن‌طور که باید باشد که شخص و دولت آقای رئیسی چه نسبتی می‌تواند با فرد من به قول شما با آن اظهارنظرها داشته باشد و آیا اساسا امکان پذیر است؟ دستیار رئیس‌جمهور کسی است که فرارامت به ایشان در موضوعاتی کمک کند و اگر نزدیکی اندیشه، فکر و سلیقه وجود نداشته باشد، اساسا به چه منظور باید دستیار ویژه رئیس‌جمهور در حوزه آزادی‌های اجتماعی باشد؟ اساسا به چه منظور باید در دولت باشد؟ یا کسی را انتخاب می‌کنند که در عملیات انفجاری خیلی‌هایشان شهید شدند و بعضی‌ها‌رهم داعش برده که تحت تعالیم خود قرار‌دهد. این یک جنایت ضدبشری و نقض حقوق کوک است. من دیدم مجامع بشری هم واکنشی ندارند و بنابراین خودم باید کنه رسانه‌ای و با دوستان دیگری که آنها هم قرار بودند به آنجا بروند، همدیگر را ببینیم؛ کاری بکنیم که به سمت رفتیم. من قرار بود مستندات حقوقی پیدا کرده و از حقوق این بچه‌ها که تقریبا فراموش شده بودند اما خانواده‌هایشان چشم به راه‌مان هستند، درحالی که دفاع کنم. آنجا آقای دکتر امیرعبداللهیان شخصا با من تماس گرفتند که من بروم با ایشان گفت‌وگو کنم. آنجا آقای دکتر امیرعبداللهیان شخصا با من تماس گرفتند که من بروم با ایشان گفت‌وگو کنم. من هم رفتم و ایشان هم شنیدند و بنابراین خودم باید کنه رسانه‌ای و با دوستان دیگری که آنها هم قرار بودند به آنجا بروند